

کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران

مقدمه

چون از قضاى روزگار آگاهی من از تاریخچه کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران مبسوطتر از دیگر همکارانم است نوشتن اطلاعاتی چند را برای آیندگان خالی از فایده نمیدانم این چند صفحه سیاه میشود، تا چه قبول اقتد وجه در نظر آید، بنای مرتفع و حسیمیکه میان محوطه دانشگاه تهران برپا شده کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد آن است. این ساختمان بزرگ نزدیک به هفت سال (۱۳۴۳-۱۳۵۰) مدت گرفت. بهره برداری حقیقی از آن از مهر ماه سال ۱۳۵۰ آغاز شد اکنون که این سطور نوشته میشود اغلب قسمتهای آن مورد استفاده دانشجویان و مدرسان دانشگاه تهران و دانش پژوهان ایرانی و خارجی است.

مساحت زیر بنای کتابخانه نزدیک بیست هزار متر مربع است. کمی بیش از بیست میلیون تومان از اعتبارات سازمان برنامه صرف هزینههای ساختمانی و تأسیسات متعدد و وسیع آن (از قبیل برق و تلفن و لوله کشی و دستگاههای تهویه مطبوع و آتش نشانی و تنظیم بخار آب و خبررسانی و کتاب آوری و آسانسور) شده است. برای تجهیزات، یعنی میز و صندلی و قفسه، تاکنون از عواید اختیامی دانشگاه تهران مبلغ یک میلیون و نیم تومان و از کمک شرکت ملی نفت ایران ششصد هزار تومان صرف شده است. هنوز احتیاجات دیگر نیز هست که محتاج اعتبارات جدید خواهد بود.

تعداد طبقات ساختمان عبارت است از دو طبقه مخصوص ماشین خانه (یکی

☆ - این مقاله در روزنامه کتابخانه مرکزی و به یاد آنجا و دوستان و همکاران دلسوزم در ایامی که در زاین بودم (زمستان ۱۳۵۰) نوشته شد و در دوره ۱۶ (۱۳۵۲) مجله راهنمای کتاب چاپ شد و بعداً ارقام و سنوات آن مورد تجدید نظر قرار گرفت.

طبقه زیر زمین و دیگری طبقه پنجم)، سه طبقه خاص تالارهای قرائت (تحقیق، مطالعه آزاد، عمومی و مراجع، نشریات ادواری، نسخه‌های خطی، اطاق‌های مطالعه انفرادی) و کاراداری و مراجعات عمومی (کافه تریا، آمفی تئاتر، تالار پذیرائی، تالارهای نمایشگاه) و کارگاه‌های میکرو فیلم و صحافی، بالاخره پنج طبقه مخزن (بصورت برج) که فعلاً برای نگاهبانی نیم میلیون کتاب آماده‌گی دارد. چون پیش بینی استواری ساختمان و پایداری پیه‌های آن شده است لذا در آینده میتوان پنج طبقه بر مخازن کتابخانه افزود و گنجائی نگاهبانی کتاب را به یک میلیون جلد رسانید. البته و متأسفانه سال‌های دراز لازم است که این مقدار کتاب فراهم شود. زیرا آنقدر که باید اعتبارات خرید کتاب گشاده و گسترده نیست.

در ساختمان کتابخانه پنج تالار مطالعه وجود دارد. درین تالارها از یک هزار و دو بیست تا یک هزار و پانصد صدلی قرائت میتوان جای داد. جزین سی و پنج اطاق منفرد برای مطالعه محققان، و فعلاً یکصد جای مستقل در مخازن برای افرادی که در یک موضوع خاص و مدت معین میخواهند تحقیق و مطالعه کنند آماده شده است.

فکر تأسیس کتابخانه مرکزی از سال ۱۳۲۸ پیش آمد. درین سال آقای سید محمد مشکوة استاد دانشگاه و دانشمند کتابشناس باهمی بلند و گذشتی کم مانند و از سر صدق و نیت پاک مجموعه هزار و یکصد جلد کتاب خطی خود را که حاصل

گذشته

بیست ساله

روزگاران دانش اندوزی بود و قریب بیست سال صرف گردآوری آنها شده بود به دانشگاه تهران بخشید. چنین کرد و نیت خیر او مورد قبول و تقدیر شایسته دانشگاه تهران واقع شد. دکتر علی اکبر سیاسی در مقام ریاست دانشگاه تهران هدیه گران ارزش مشکوة را پذیرفت و فوراً دستور داد تا اداره انتشارات و روابط دانشگاهی آن کتب را در محل خاصی (در عمارت قدیم دانشکده ادبیات) به نام کتابخانه مرکزی نگاهبانی کند و فهرست مبسوط برای این مجموعه فراهم آورد. بدین صورت بود که کتابخانه مرکزی بر اثر مال اندیشی و درایت و دانش دوستی دکتر علی اکبر سیاسی پایه گذاری شد. به علت آنکه هر یک از دانشکده‌های دانشگاه کتابخانه‌ای داشت قرار کلی بر آن شده بود

که در کتابخانه مرکزی ، علی‌الاصول کتابهای خطی و آثار مربوط به ایران جمع‌آوری شود و از نظر مدیریت جزئی از اداره انتشارات و روابط دانشگاهی باشد. در آن موقع دکتر پرویز ناتل خانلری که رئیس آن اداره بود با علاقه‌مندی بسیار مقدمات فهرست نویسی کتب خطی اهدایی سید محمد مشکوة را آماده کرد و باحالة این کار خطیر به محمد تقی دانش پژوه و علینقی منزوی که هر دو از کتابشناسان به نام این روزگارند توفیق یافت که به مدت دو سال سه جلد از مجلدات فهرست را به چاپ برسانند . (دو جلد توسط منزوی و يك جلد توسط دانش پژوه) .

پس از اینکه پایه‌گذاری گنجینه نسخه‌های خطی کتابخانه مرکزی با کتب اهدایی سید محمد مشکوة انجام شد دانشگاه تهران بودجه‌ای برای خرید کتب خطی اختصاص داد . اگرچه آن اعتبار در آغاز مبلغی شایان توجه نبود به تدریج بر مبلغ اعتبارات آن اضافه شد و آن اعتبار به مصرف خریدن نسخه‌های خطی رسید . مخصوصاً در دورانی که مقام ریاست دانشگاه درعهده کفایت دکتر منوچهر اقبال قرار گرفت چون اعتبار خرید کتاب افزونی گرفت کتابخانه خطی حسینعلی باستانی را در خریداری شد. از آن پس نیز دو مجموعه مهم خرید شده یکی از آن خاندان علومى (یزد) و دیگر سعید نفیسی . در سالهای دراز ، اما گام به گام در دانشگاه مجموعه‌ای جمع‌آوری شد که اکنون تعداد آن حدود ۱۳۰۰۰ جلد کتاب خطی است و پس از مجلس شورای ملی از حیث نسخ خطی دومین گنجینه را در اختیار دارد.

خدمت دیگری که اداره انتشارات دانشگاه بدان عهت گمارد تهیه میکرو-فیلم و فتوکپی از نسخ خطی‌ای بود که در کتابخانه‌های ممالک خارجی یا شهرستانهای ایران و نزد مالکین خصوصی وجود دارد و بعضی از آنها از لحاظ مطالعات و تحقیقات ایرانی و شناخت متون مورد کمال لزوم بود. در بر آوردن این هدف گر آنقدر شعبه‌ای خاص تهیه میکرو فیلم و چاپ عکس در اداره انتشارات به وجود آمد . دکتر ذبیح‌الله صفا که پس از دکتر پرویز خانلری سالیانی چند رئیس اداره انتشارات بود توانست این شعبه را با وسایل عکاسی متناسب زمان تجهیز کند و به تدریج سفارش میکرو فیلم و عکس از نسخ خطی به ممالک مختلف بدهد . خود نیز در انتخاب کتب خطی مخصوصاً از کتابخانه‌های ملی (پاریس) و موزه بریتانیا (لندن) اهتمامی عالمانه مبذول کرد . ناگفته نماند که دکتر حسن

مینوچهر که چندی در غیبت دکتر ذبیح‌الله صفا و به خواهش ایشان امور اداره انتشارات را به عهده داشت در ادامه و تکمیل این خدمات بذل توجه کرد. از کارهای بسیار سودمند اداره انتشارات که موجب توسعه مجموعه میکرو-فیلم شد ارجاع مأموریت به استاد علامه مجتبی مینوی بود. ایشان در مدت چند سالی که به سمت راینی فرهنگی ایران در کشور ترکیه اقامت داشت توانست که بیش از یک هزار میکروفیلم از جمله نسخه‌های خطی معتبر و مهم کتابخانه‌های مختلف آن سرزمین تهیه کند و در اختیار دانشگاه قرار دهد. همچنین محمد تقی دانش پژوه کتابشناس دانشمند در طول مدتی که تصدی اداره امور و فهرست نویسی کتابخانه را بر عهده داشت چندین سفر علمی به شهرستانهای مختلف (تبریز، مشهد، یزد، کاشان، اصفهان، شیراز) رفت و توفیق یافت که از مجموعه‌های خصوصی خطی کتابخانه‌های عمومی عکس‌های متعدد تهیه کند و بر غنای گنجینه کتابخانه مرکزی بیفزاید. او زحماتی دیگر نیز متقبل شد و آن تنظیم فهرست میکروفیلمهاست که دو جلد آن تاکنون به چاپ رسیده (مربوط به چهار هزار میکروفیلم).

خدمات ارزشمند دیگر مربوط به این دوران کتابخانه که قابل ذکر است چاپ و نشر مجموعه‌ای است به نام نشریه کتابخانه مرکزی درباره نسخه‌های خطی (که بعداً نامش به «نسخه‌های خطی»، نشریه کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران تبدیل شد). تأسیس آن در حقیقت مدیون توجه دقیق دکتر ذبیح‌الله صفاست که پیشنهاد محمد تقی دانش پژوه و مرا پذیرفت و به تصویب رئیس دانشگاه رسانید که چنین مجموعه‌ای منظم انتشار یابد تا در آن نسخه‌های خطی پراکنده در کتابخانه‌های کوچک که احتمال تهیه فهرست مستقل برای آنها دشوار است مورد معرفی قرار گیرد. چون این پیشنهاد مورد قبول قرار گرفت محمد تقی دانش پژوه و من مسؤول تهیه آن شدیم. نخستین مجلد ازین نشریه در سال ۱۳۴۰ انتشار یافت. توفیق الهی رفیق بوده است که هفت مجلد از آن تاکنون به چاپ رسیده است و هشتمین مجلد آن در زیر چاپ است.

۱- یعنی آنچه کتاب خطی که اکنون در کتابخانه مرکزی است و مجموعه‌های دانشکده‌های ادبیات، الهیات، پزشکی و حقوق را نیز دربر گرفته (به استثنای دو مجموعه وقفی علی‌اصغر حکمت و امام جمعه کرمان که در دانشکده ادبیات نگاه‌داری می‌شود). اینک که این مقاله چاپ می‌شود مجموعه حکمت هم منتقل شده است.

ساختمان

پس از اینکه دکتر احمد فرهاد عهده دار تصدی امور دانشگاه شد ضمن مصاحبه‌ای که خیال می‌کنم در سال ۱۳۳۸ بود گفت برای دانشگاه باید کتابخانه‌ای بزرگ ساخت و بزرگترین بنای دانشگاه باشد و همه مردم تهران بتوانند از آن استفاده کنند. او معتقد بود که چون در تهران کتابخانه عمومی نیست و کتابخانه ملی کوچک است و فراموش شده، وظیفه دانشگاه است که به یاد مردم هم باشد و به داد بی‌کتابی آنها برسد.

مقارن این اعلام نظر به علت ناراحتی که از دستگاه اداری دانشگاه حقوق داشتم خدمت دلپذیری را که در کتابخانه دانشگاه حقوق داشتم رها کرده و به دانشسرای عالی رفته بودم. چند ماهی بیشتر به تصدی امور کتابخانه آنجا نپرداختم بودم که به اداره امور کتابخانه ملی مأمور شدم امامدتی دراز نپائید که از این سمت معزول شدم. ارادتمندان به خدمت دکتر فرهاد شتافتم و به او گفتم چون شما قصد دارید کتابخانه‌ای بسازید من بنده علی‌الاحتمال در آنجا شاید بتوانم عهده دار خدمتی بشوم. اکنون هم پیشنهاد می‌کنم برای پیشرفت امور تحقیقات و دست‌یابی به مراجع و مدارک اجازه دهید مقدمات ایجاد مرکز تحقیقات کتاب‌شناسی مورد مطالعه قرار گیرد. دکتر فرهاد پیشنهاد مرا پذیرفت. به دکتر حافظ فرمانفرمائیان کسبه رئیس اداره انتشارات و روابط دانشگاهی بود گفتم ترتیب بر گرداندن فلانی را بدیدید و همانطور که پیشنهاد کرده «مرکز تحقیقات کتاب‌شناسی» را در اداره خود و به محاذات قسمت کتابخانه مرکزی تشکیل بدهید. چون به دانشگاه بازآمدم طرح تشکیل مرکز تحقیقات کتاب‌شناسی را با کمک حافظ فرمانفرمائیان نوشتم و دادم. در صدد ایجاد تشکیلات آن بودم که کتابخانه دانشگاه‌ها را وارد برای فهرست نویسی کتب فارسی خود، مرا دعوت کرد تا یک سال بدانجا بروم.

در همین ایام، دکتر فرهاد به منظور بر آوردن نیت بلند خود یعنی تأسیس کتابخانه مرکزی هیأتی مرکب از دکتر حافظ فرمانفرمائیان، دکتر سید حسین نصر، دکتر عزت‌الله نگهبان (در آن موقع رئیس کتابخانه دانشگاه ادبیات بود)، محمد تقی دانش پژوه و اینجانب را (و شاید یکی دو نفر دیگر که متأسفانه نامشان را به یاد ندارم) مأمور کرد که در باب آینده کتابخانه مرکزی مشورت کنیم. به دنبال این جریان، دکتر شاپور راسخ که در آن وقت مصدر یکی از

مقامهای مؤثر سازمان بر نامه بود از طرف سازمان مذکور و بر اساس نیت دانشگاه تهران طی نامه مورخ ۲۳ تیر ۱۳۴۲ به اعضای گروه مشورتی امور کتابخانه مرکزی نوشت: « دانشگاه تهران در نظر دارد از محل اعتبارات عمرانی ساختمان کتابخانه مرکزی دانشگاه را بنا نماید. چون نظر سازمان بر نامه این است که چنین کتابخانه‌ای مظهر وحدت دانشگاه و محل تحقیق و مطالعه و ایراد سخنرانیهای علمی بوده و از هر حیث مرکز فعالیت علمی برای دانشگاه تهران باشد و قوف از نظرات آن جناب بسیار مغتنم خواهد بود ... »

چیزی نگذشت که مقام ریاست دانشگاه در نوبت دکتر جهان‌شاه صالح قرار گرفت. درین وقت عازم سفر امریکا بودم. چون برای اخذ اجازه و خدا حافظی به حضور دکتر صالح رسیدم گفت موافقم بروی ولسی باید کتابخانه

اسلوب نو برای کتابخانه

های بزرگ و عالی و مرتب امریکا را ببینی و زودتر برگردی و در امور کتابخانه مرکزی با ما همکاری کنی و زیر حکم مأموریت (مورخ ۵ تیر ماه ۱۳۴۲) به دست خود نوشت: « ... و در مراجعت از اطلاعات جناب عالی در ایجاد کتابخانه مرکزی دانشگاه استفاده شود » ... اواسط شهریور به آمریکا حرکت کردم.

دکتر صالح که خواستار ایجاد تحرك و تحول سریع در دانشگاه بود در پی هدف خود فوری اقدام کرد، تا کتابخانه بتواند بطور مستقل کار خود را آغاز کند. بدین منظور قسمت کتابخانه مرکزی و مرکز تحقیقات کتابشناسی و دائره میکر و فیلم را از اداره انتشارات و روابط دانشگاهی منتزع ساخت و واحد جدیدی به نام « کتابخانه مرکزی و اداره کتابخانه‌ها » تأسیس کرد و دکتر ذبیح الله صفا را به ریاست آن برگمارد. قصد دکتر صالح ازین اقدام آن بود که آرام آرام مقدمات تمرکز خدمات کتابداری و هماهنگی میان کتابخانه‌های متعدد دانشگاه را فراهم کند. مخصوصاً می خواست از نظر خرید کتاب و فهرست نویسی موجبات يك نواختی و همگامی و آسانی و ارزانی را پیش آورد. برای مطالبه درین مقاصد بود که برای اول بار از مشورت کتابداری خارجی استفاده شد و آن کتابداری بود به نام کرو، از کتابداران متخصص امریکایی که چندی در ایران بود و گزارشی داد و به کارهایی هم دست زد و رفت. این مرحله برای نخستین بار موجب برانگیختن حس تأثر و مقاومت دانشکده‌ها در موضوع تمرکز خدمات کتابداری شد.

موقعی که در فروردین ۱۳۴۳ به تهران بازگشتم دکتر صالح فرهود چون حافظ فرمانفرمائیان از تصدی امور اداره انتشارات و روابط دانشگاهی استعفا داده است تو موقتاً به این کارپرداز تا موقعی که کتابخانه مرکزی آمادگی بیابد. کار اداره انتشارات عبارت بود از دو خدمت: یکی نشر کتابهای سلسله انتشارات دانشگاه و دیگر رسیدگی به امور مربوط به روابط فرهنگی و اعطای بورس به دانشجویان خارجی. مدتی دراز نکشید که من بر اثر مطالعه در وضع اداره ملتفت شدم که این دو خدمت هیچ ارتباطی به یکدیگر ندارد و دو کار بکلی متفاوت است و بهتر آن است که هر يك به صورت مستقل اداره شود. پس به دکتر صالح پیشنهاد کردم که قسمت روابط دانشگاهی از اداره انتشارات جدا شود و با توجه به توسعه‌ای که امور فرهنگی می‌یابد اداره جدیدی به نام اداره روابط فرهنگی و بورسها تشکیل شود. دکتر صالح این نظر را پذیرفت و چون دکتر صفا هم در همان ایام به ریاست دانشکده ادبیات نائل شد و تصدی امور مربوط به کتابخانه مرکزی و اداره کتابخانه‌ها موجب گرانباری ایشان بود قرار شد از ترکیب اداره انتشارات و کتابخانه مرکزی واحد جدیدی بوجود آید. این واحد جدید اداره انتشارات و روابط کتابخانه‌ها نام‌گذاری شد و کتابخانه مرکزی هم جزئی از آن بود (هشتم اردیبهشت ۱۳۴۳).

مهمترین وظیفه اداره جدید تهیه طرحها و رسیدگی به اموری بود که موجب پی‌ریزی کتابخانه مرکزی و آینده ناروشن آن بود. از میان وظایف متعددی که درین باب وجود داشت در نخستین مرحله تصویب نهائی نقشه ساختمان بود.

آغاز ساختمان

دکتر صالح باهمی کم‌نظیر و کوششی مداوم توانست اعتبار کافی برای ساختمان کتابخانه مرکزی اخذ کند و توفیق نصیب او شد که نقشه ساختمان آماده گشت و در اول مهرماه ۱۳۴۳ یعنی روز افتتاح دانشگاه مراسم بر زمین زدن نخستین کلنگ کتابخانه از طرف شاهنشاه آریامهر اجرا شد.

تهیه نقشه کتابخانه را سازمان برنامه به عهده شرکت «مپیلان» گذارد. در آن موقع مهندس بهمن پاك نیا و مهندس پرویز مؤید عهد در آن شرکت سهامی بودند. بهمن پاك نیا که طراح نقشه بود با علاقه‌ای خاص برای به دست آوردن مدارک و اطلاعات مربوط به ساختن کتابخانه‌های بزرگ و مخصوصاً دانشگاهی دنیماً

به اداره انتشارات که مسؤول امور کتابخانه بود مراجعه می کرد . چون هنوز تجربه ساختن کتابخانه در ایران حاصل نشده بود و مدارك خارجي هم به آسانی قابل تطبیق نبود، دشواریهایی پیش پای او قرار داشت. پس از جلسات متعدد که درین باب با هم داشتیم قرار بر آن شد که پس از تهیه نقشه های مقدماتی از باب اطمینان خاطر آنها را به شعبه امور کتابداری یونسکو در پاریس که متخصص مشهوری به نام «بلوتون» با آنجا همکاری دارد ببرد و پس از کسب نظر آنها نقشه قطعی را ارائه کند . باک نیاهمین کار را کرد . نقشه ای را که بر اساس احتیاجات مورد درخواست دانشگاه و با توجه به موازین و محاسبات فنی معیارگیری شده جهت کتابخانه تهیه کرده بود برای اجرا به سازمان برنامه سپرد و سازمان برنامه به دانشگاه ابلاغ کرد . چون امور ساختمانی دانشگاه در بست در اختیار وزارت آبادانی و مسکن قرار داشت این خدمت نیز بسرعه ده آن وزارت خانه واگذار شد و کارگودبرداری ساختمان کتابخانه از زمستان سال ۱۳۴۳ آغاز شد. دکتر صالح علاقه ای خاص به پیشرفت سریع ساختمان کتابخانه داشت . لذا مصرانه و با شوق و اهتمامی کم نظیر بر آن نظارت دائمی می کرد. لاقلاً هفته ای یک بار می پرسید که چه می کنند و خودش هر چند یکبار به آن سر کشی می کرد. در آن موقع تصدی وزارت آبادانی و مسکن در عهده کفایت دکتر هوشنگ نهاوندی بود و چون خود پیوند تعلیماتی با دانشگاه داشت طبعاً کار ساختمان کتابخانه مرکزی را به دیده اعتنای نگرینست. نهاوندی چند تن از متصدیان مسؤول و مهندسین مشاور و ساختمان را مکلف کرده بود که هر دوشنبه صبح در محل ساختمان جلسه داشته باشند . درین جلسه مهندس کورس آموزگار که در آن وقت معاون وزارتخانه بود منظمأ حاضر می شد. دکتر صالح مقرر کرده بود که از طرف دانشگاه من شرکت کنم تا بدانیم که چه می کنند و چه می گذرد . اغلب خودش هم می آمد و گاه دکتر محمد مقدم را (که معاونش بود) می فرستاد .

در وزارت آبادانی و مسکن کسی که از بدو کارالی پایان ساختمان در جریان رسیدگی به کارها قرار داشت ، مهندس عباس سعیدی بود . از مقاطعه کاران مهندس یوسف زاده و دکتر مهندس اسکندری (تأسیسات) مسؤولیت امور را برعهده داشتند . بالاخره همه کارگران و گلکاران و استادکارانی را باید یاد آورد که هر يك در پی افکندن و بر آوردن این ساختمان علم و کتاب رنج برده اند و جان فرسوده اند .

از زمانی که ساختمان کتابخانه مرکزی شروع شد و مخصوصاً در خلال مدتی که کارهای ساختمانی آن پیش می‌رفت و امید به آماده شدن آن نزدیک می‌شد ناگزیر رسیدگی به امور فنی کتابخانه (تهیه کتاب، فهرست نویسی، ایجاد ارتباط با مراکز علمی و دانشگاهی جهان به منظور مبادله، تهیه برگه کتابها از کتابخانه کنگره آمریکا، انتخاب و به کار گماردن کتابداران متخصص) از هدفهای دانشگاه شد.

در همین دوران توفیق حاصل گردید که مجموعه های کتاب مهمی از خاندان مرحوم سعید نفیسی، مرحوم ابراهیم پورداود، دکتر سعید ولی الله خان نصر، بدیع الزمان فروزانفر خریداری شود. همچنین از مجموعه کم نظیر جراید و مجلات فارسی باید نام آورد که متعلق به محمد رضانی صاحب کلاله خاور بود که با رنج و شوقی کم مانند در طول سالیانی چهل آنها را جمع آوری کرده بود و بدون تردید یکی از نواد این نوع مجموعه در جهان است. همچنین مقدمات فهرست نویسی کتب فراهم شد. اما به علت آماده نبودن ساختمان کتابخانه اعضای کتابخانه در سه محل مختلف (زیر زمین دانشکده علوم، زیر زمین سازمان مرکزی، اطاقهای منفرد مسجد دانشگاه) مستقر شده بودند. جا کم بود و پراکنده کاری در بین بسیار بود. اما ناگزیر از آن بودیم که تا آماده شدن بنای کتابخانه مقداری کتاب فهرست شده برای آنکه در دسترس مراجعه کنندگان قرار گیرد، در آنجا قرار دهیم.

در بر آوردن این هدفها، در همان سال ۱۳۴۳، به دکتر صالح پیشنهادی داده شد که اصلاح امور کتابخانه‌ها و پی ریزی اساسی کتابخانه مرکزی همسر نخواهد بود مگر آنکه کتابدار متخصص در اختیار داشته باشیم. برخلاف روشی که

کتابدار
متخصص

تا کنون مرسوم بوده است و برای کتابداری شأنی قائل نبوده اند و هر دو مانده، با «عزیز کرده» را به محیط کتابخانه می فرستاده اند (به تصور اینکه کتابخانه کار ندارد و تخصص نمی خواهد) امروز روزی است که باید کتابدار متخصص داشت و به کتابدار شخصیت داد. در آن پیشنهاد به دو مطلب اشاره شده بود: یکی آنکه از یونسکو یا فولبرایت خواسته شود تا یکی دو کتابدار متخصص برای همکاری و رایزنی در امور کتابخانه مرکزی به ایران اعزام دارند. بر اساس این پیشنهاد، دکتر صالح که خود عضو شورای فولبرایت بود از مؤسسه مذکور خواست تا یک کتابدار بفرستند. پس خانم هایپکینز به ایران آمد و مدت یک سال در کتابخانه زحماتی زیاد متحمل شد. دوره کارآموزی برای کارمندان کتابخانه تشکیل شد بدان منظور که مقداری از مقدمات و

مهابانی جدید کتابداری آموخته شود. درین کار از زحماتی که خانم کتایون شیبانی (فرهودی) در القاء مطالب او به دیگران کشید نیز باید یاد کرد.

دیگر آنکه مصراً درخواست کردم که رشته خاص تدریس کتابداری تشکیل شود و تدریس مواد کتابداری علمی به منظور تربیت عده‌ای کتابدار متخصص آغاز شود. این پیشنهاد مورد نظر و تأیید دکتر صالح واقع شد و به دستور او جلسه‌ای مرکب از دکتر محمد مقدم و دکتر منوچهر افضل و اینجانب تشکیل شد و پس از بررسی امکانات، اجسرای این پیشنهاد به دانشکده علوم تربیتی که در همان مواقع نطفه بندگی می‌شد و احتیاج به داشتن شعب مختلف داشت و گذار گردید. بعد بر اساس تقاضای دانشکده جلساتی چند از همین افراد به انضمام خانم‌ها پکینز که به تهران رسیده بود منعقد شد و بر نامه نخستین دوره آن اعلام شد. البته این نکته را نمی‌توانم نهفته گذاشت که عمیده من بر تأسیس دوره لیسانس بود و آن سه نفر دیگر به متابعت از رسوم دانشگاه‌های امریکا اعتقادشان بر تأسیس دوره فوق لیسانس * بهر تقدیر دانشکده علوم تربیتی از قبول برایت درخواست کرد که کتابدار متخصصی از امریکا برای تدریس مواد کتابداری بفرستد. ابتدا خانم لورر و بعد از او به ترتیب دکتر جان هاروی، جاکسن، ویلیام کیک، دیل و خانم پابت و... آمده‌اند.

مهم آن بود که گروه با همکاری چند تن از ایرانیان پا گرفت و واقعیت یافت و به کار شروع کرد و جمعی مفید پرورید.

زمانی که ساختمان کتابخانه رو به اتمام می‌رفت و به اصطلاح معماران، «سفت کاری» آن تمام شده بود دکتر صالح از سمت ریاست دانشگاه

برگشت به
ساختمان

کنار رفت و پرفسور فضل‌الله رضا به جای او آمد. از رضا یادگاری که درین ساختمان دیده می‌شود کتابه‌ای است که بر سر در جنوبی از کاشی معرق نصب شده.

* خوشوقتم که پس از گذشت چند سال توجه به ایجاد رشته لیسانس کتابداری به لطف استاد کاردان دکتر محمدعلی کاردان پیدا شد و اکنون این دوره نیز در دانشگاه تهران ایجاد شده است.

متن کتابه بی‌تی است از شاهنامه حکیم فردوسی:

ز نیکو سخن به چه اندرجهان
بر او آفرین از کهان ومهان

هنکامی که در تابستان ۱۳۴۸ مقام ریاست دانشگاه در نوبت دکتر علی‌نقی عالی‌بخانی درآمد قسمتی از بنای کتابخانه نسبتاً آماده شده بود. ایشان مردانه تصمیم گرفت که بتدریج کتابها و وسایل موجود پراکنده در محلهای سه گانه بسه ساختمان تازه منتقل شود. معتقد بود تا داخل بنای نیمه تمام نشوید هیچگاه همتی مؤثر در تمام شدن کار بنام صرف نخواهد شد. به همکار پرتوانش دکتر احمد ضیائی گفت باید میز و صندلی و وسایل دیگر مورد لزوم هر چه زودتر با نقشه‌هایی که تصویب شده باشد تهیه شود و کتابخانه را راه بیندازید. دکتر ضیائی مردی که در قاطعیت نادر و مثل است گفت به مصداق در کار خیر حاجت هیچ استخاره نیست» با همه بی‌پولی دانشگاه هزینه تهیه میز و صندلی و قفسه‌های ضروری را از محل اعتبارات اختصاصی دانشگاه می‌دهم. بروید میز و صندلی تهیه کنید! خود مشکلات اداری کار را یکی پس از دیگری از میان برداشت. ساخته‌های کارگاه استادکار زبردست احمد تیموری مورد پسند دکتر عالی‌بخانی و ضیائی قرار گرفت و دستور ساختن آنها داده شد. در مدتی نزدیک به هشت ماه تجهیزات چوبی کتابخانه آماده شد. قفسه‌های فلزی کتابخانه هم طبق نمونه ایتالیائی توسط شرکت دولتی صنایع فلزی که بنیادش را دکتر عالی‌بخانی گذارده بود ساخته شد. توضیحی اینجا لازم است و آن اینکه مخارج تهیه وسایل و صندلیهای تالارهای پذیرائی و سخنرانی کتابخانه از محل کمک قابل توجهی که دکتر منوچهر اقبال از اعتبارات شرکت ملی نفت در اختیار کتابخانه گذارد، پرداخت گردید.

در تابستان ۱۳۵۰ دکتر هوشنگ نهاوندی عهده‌دار تصدی ریاست دانشگاه شد. تقدیر الهی بود که او آخرین کوششهای مؤثر را در راه تمام شدن بنای کتابخانه و تهیه وسایل باقیمانده آن که خود در مقام وزارت آبادانی و مسکن مسؤول آغاز شدن ساختمان بود به کار بندد. آماده شدن ساختمان کتابخانه موجب بازدید رسمی شاهنشاه آریامهر و علیاحضرت شهبانودر نخستین روز مهر ماه ۱۳۵۰ شد. از این زمان بود که کتابخانه کار استوار و پیوسته خود را آغاز کرد. بازدید

شاهنشاه و شهبانو چهل دقیقه مدت یافت و اکثر قسمتهای کتابخانه مورد بازدید قرار گرفت . *

پیشرفتهائی که نصیب کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران شده مولود نیت خیر و همت استوار و پایداری ثمر بخش و فعالیت راستین افرادی است که نام عده‌ای از آنان پیش ازین گفته شد . دور از حق شناسی و انصاف است اگر از

زحمت
کشیدگان

آوردن نام چند خدمتگزار با حرارت و پرشور دیگر غفلت شود . سرسلسله این گروه دکتر عبدالله شیبانی است که در طول مدت قریب پانزده سال (که من شاهد بودم) در سمتهای مدیر کل و معاون دانشگاه همیشه به امور کتابخانه با حرارت و حقیقت می نگریست . مخصوصاً نسبت به خرید کتاب و علی‌الخصوص کتب خطی و تهیه میکروفیلم از آثار ایرانی که در خارج ایران است مراقبتی کم نظیر و نیتی عالمانه ابراز می کرد . بر من فرض است که از باب آنچه از ایشان در خدمات اداری خود آموخته‌ام به جای خویش سپاس عرض کنم .

از میان نام دیگر کسانی که کتابخانه را نگاهبانان شایسته بوده‌اند نام دکتر شمس‌الدین مفیدی و دکتر سید حسین نصر فراموش شدن نیست . این هر دو از چهره‌های درخشان و دانشمندان «جهانی نام» دانشگاه تهرانند . هر دو در کار خود بصیر و نسبت به امور دانشگاهی حساس و دلسوز بودند .

دکتر سید حسین نصر در دوران ریاست دانشگاه دکتر جهان‌شاه صالح (که شورایی به انتخاب ایشان برای کتابخانه تعیین شد) به مناسبت علاقه‌ای که دکتر نصر به پیشرفت امور کتابخانه داشت به ریاست شورا انتخاب شد . در تمام مدتی که

* اکنون که این مقاله تجدید طبع می شود سزاوارست گفته شود که پشتیبانی مؤثر دکتر هوشنگ نهاوندی در پیشرفت امور کتابخانه موجب افزایش مجموعه‌های کتاب و دامنه یافتن فعالیتهای دیگر آن بوده است و گزارش سال ۱۳۵۳ بهترین نمودار است .

شود. وجود بود کمتر نصر، در پیشبردن امور و ساختن آینده کتابخانه مؤثر واقع شد. دید و بینش علمی دکتر شمس‌الدین مفیدی خود از عوامل پیشرفت امور کتابخانه بوده است.

از دکتر محمد مقدم هم باید دوباره یاد کنم، ازین باب که در مدت خدمت اداری خود در دانشگاه با دیدی تازه و اندیشه‌ای نو به گسترش خدمات کتابخانه می‌نگریست. همکاران کنونی و گذشته من هر يك سهمی عظیم دارند که بر شمردن حق يك يك آنها صفحه‌های بسیاری خواهد، ناچار از همه نام نمی‌برم مگر آنهایی که از من دور شده یا بازنشسته شده و یاد در قسمت‌های دیگر به کار پرداخته‌اند و عبارتند از حسین محبوبی اردکانی، نوشین انصاری (محقق)، ایران شیبانی (فرهودی)، فرنگیس امید (شفا)، معصومه دقیق، فریدون بسدره‌ای، یحیی دوستدار، امان‌الله ایزدپناه، سید یحیی نیاکوی، ژرژ ژرژ و کسان دیگری که محتملاً اسمشان از حافظه‌ام گریخته است.

یکی از افرادی که از نظر دقت علمی و بصیرت فنی نسبت به کتابخانه مرکزی اظهار لطف کرد دکتر جان هاروی است. جان هاروی از کتابداران متبحر و متخصص آمریکایی است. مدت چهار سال در ایران بود. در آغاز به عنوان استاد کتابداری به دعوت فولبرایت به ایران آمد. مدت دو سال در دانشکده علوم تربیتی درس گفت. مدت دو سال هم با سمت کارشناس و مشاور در وزارت علوم به تأسیس و بنیان‌گذاری مرکز مدارك علمی وابسته به وزارت علوم صرف وقت کرد. درین مدت که در ایران بود سه بار به خواهش من قسمت‌های فنی کتابخانه و اصول سازمانی آن را مورد رسیدگی و مخصوصاً نقد و سنجش قرارداد. گزارشهای دقیق و قابل استفاده نوشت و در اختیارم گذاشت. بنابراین ذکر نام او درین تاریخچه ثبت شدنی است.

از کمک‌های مؤثری که در پیشرفت امور فنی کتابخانه حاصل شده مساعدت مؤسسه انتشارات فرانکلین و نیت خیر شخص آقای علی اصغر مهاجر مدیر صاحب فرهنگ و بینش آنجاست، ازین باب که پات مارتینز کتابدار متخصص و قابل را برای تصدی امور فنی کتابخانه در اختیار دانشگاه تهران قرارداد. بیش از چهار سال است که کتابخانه از تخصص و تبحر این شخص بهره‌مند است.

خدمات اصلی قابل ذکر دیگری که در زمینه کتابداری به توسط کتابخانه

مرکزی و مرکز اسناد انجام شده عبارت است از :

- ایجاد گروه تدوین لغتنامه مصطلحات کتابداری و نشر مجموعه اصطلاحات در نخستین نشریه کتابداری

- ترجمه قواعد فهرست نویسی انگلیسی امریکائی .

- انتشار نشریه کتابداری که تاکنون پنج دفتر آن انتشار یافته است.

تاریخچه تمام شد. اینک برای آنکه خوانندگان از چه و چون کار کتابخانه و سرمایه کتابی و علمی و نیز فعالیتهای مختلف آن آگاه شوند به نقل اطلاعات و آماری چند می پردازم. امیدوارم تا حدودی گویای مقصود باشد و علاقه مندان را چنانکه باید و شاید در جریان کوششها و کارهای کتابخانه قرار دهد.



هدف و وظایف کتابخانه مرکزی راهپایان امنای دانشگاه دردی ماه سال ۱۳۴۸ چنین توصیف کرده است :

- تهیه و جمع آوری و در دسترس قرار دادن کتب و نشریات ادواری و آثار خطی یا چاپی که در تعلیمات و تحقیقات دانشگاه لازم است .

وظایف

وسازمان

- تأمین خدمات سمعی و بصری و واحدهای آموزش و تحقیقات دانشگاه .

- همکاری با دانشکده علوم تربیتی در زمینه تنظیم برنامه های کارآموزی

دانشجویان در کتابخانه های دانشگاه .

- تعبیر و تفسیر خط مشی تعیین شده در زمینه خرید کتاب .

- اداره امور کتابخانه ها و تأمین خدمات آموزشی سمعی و بصری و تفهیم

آن به واحدهای تابعه جهت اجراء و تنظیم برنامه های تابعه .

- کنترل کار و واحدهای تابعه از طریق اعمال نظارت بر کار آنها .

- ایجاد هم آهنگی بین فعالیتهای واحدهای تابعه .

- تعیین ساعات کار کتابخانه های دانشگاه و اظهار نظر در مورد انتصابات .

- اضافات و ترفیعات کادر شاغل در کتابخانه های دانشگاه .

- انجام دادن مبادلات کتب و نشریات دانشگاه تهران با مجامع علمی و

دانشگاههای داخلی و خارجی .



سازمان کنونی کتابخانه که تا حدودی بر اساس هدفهای مربوط به فعالیت

کتابخانه ، مصوب هیأت امنای دانشگاه تهران ، در سال ۱۳۴۹ به وجود آمد کاملاً جنبه آزمایشی دارد . طبیعی است که سازمان کتابخانه به تدریج باید مورد تجدید نظر قرار گیرد و به تناسب گسترش کار بر افراد و اعضای آن اضافه شود .

اکنون تعداد کارمندان کتابخانه کلاً ۸۵ نفر است . ازین عده تعداد شش نفر کتابدار متخصص می باشد . سازمان کتابخانه بطور کلی دارای قسمتهای مذکور در ذیل است : بخش فنی (فهرست نویسی و طبقه بندی ، امور نشریات ادواری ، سفارش و تهیه کتاب) ، بخش مراجعات و مخازن (رسیدگی به امور تالارها و توزیع و امانت دادن کتاب ، حفاظت و تنظیم مخازن) ، مرکز اسناد (تنظیم مدارک علمی ، جزوات ، کتابشناسیها ، رساله های تحصیلی ، و نقشه ها ، عکسها و جزینها) ، امور فرهنگی و سمعی و بصری (سخنرانی ، نمایشگاه ها ، انتشارات) .

وظیفه مهم قسمت فنی عبارت است از انتخاب و خرید کتاب و نشریات ادواری ، ثبت کتابهایی که تهیه می شود ، تجلید کتابهایی که محتاج صحافی است ، مبادله کتاب و نشریه با مراکز علمی و کتابخانه های جهان ، تهیه میکروفیلم برای خواستاران ، خواستن میکروفیلم از کتابخانه های دیگر جهان برای کتابخانه ، قبول کتب اهدایی و بالاخره فهرست نویسی کتابها و نشریات و آثاری که از طرق مختلف به دست می آید .

چون تهیه کتاب و فهرست نویسی کتاب برای کتابخانه های دیگر دانشگاه تهران ، بطور اصولی از وظایف کتابخانه مرکزی قلمداد شده از آغاز سال ۱۳۵۱ فهرست نویسی عده ای از کتابخانه های دانشگاه در عهده کتابخانه مرکزی قرار گرفته است .

یکی از کارهای مفید این قسمت گردآوری فهرست مشترک کتابهایی است که در بیست و شش کتابخانه دیگر دانشگاه وجود دارد . این فهرست به آسانی به خواستاران نشان می دهد که کتاب و اثر مورد درخواست در کدام يك از کتابخانه های دانشگاه تهران موجود است .

یکی از فعالیتهای دامنه دار و گسترده بخش فنی مشترک شدن و گردآوری نشریات ادواری از ممالک مختلف است . جزین ، به منظور هم آهنگ کردن فعالیت کتابخانه های مختلف درین زمینه و همچنین به منظور ایجاد صرفه جوئی مالی ، فهرستی از کلیه نشریات ادواری که در حال حاضر برای کتابخانه های

بیست و شش گانه و دیگر واحدهای تحقیقاتی و گروههای آموزشی خریداری می شود زیر نظر خانم کبری آرائی اردکانی تهیه شده است تا هم معلوم باشد که فلان نشریه ادواری مورد درخواست در کدام يك از واحدهای دانشگاهی هست و هم به تدریج بتوان از تعداد مجلاتی که مکرر خریداری می شود کاست.

فهرست نویسی و طبقه بندی کتب در کتابخانه مرکزی بر اساس روش معروف کتابخانه کنگره آمریکا (که جنبه جهانی دارد) انجام می شود. اکثر کتابخانه های دانشگاه تهران نیز بدین روش گرائیده اند.

اهم آثاری را که در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران نگاه داری می شود بشرح زیر می توان برشمرد:

مجموعه های کتابخانه

الف کتب خطی : در کتابخانه مرکزی

تعداد ۱۲۱۲۸ کتاب خطی در دو قسمت موجود است :

کتب خطی مرکزی : مجموعه ای است بالغ بر ۸۶۷۰ مجلد. اساس این مجموعه تعداد ۱۳۲۹ جلد کتاب خطی اهدایی سید محمد مشکوة است. جز آن چند مجموعه خریداری از حسینعلی باستانی راد (۲۷۳۴ مجلد)، فخرالدین نصیری امینی (۵۵۰ مجلد)، خاندان علوم یزد (۶۳۷ مجلد)، بتول علوی (۱۳۷ مجلد)، سعید نفیسی (۱۰۹۳ مجلد)، و مجموعه های اهدائی حسنعلی غفاری معاون الدوله (۳۰ مجلد)، کتابخانه شهرداری گرگان به مساعدت و پیشنهاد مسیح ذبیحی بعنوان مبادله (۲۲۱ مجلد)، وزارت فرهنگ نسخ کتابخانه الیس مستشرق انگلیسی (۱۱۳ مجلد)، خاندان محمدعبده (۶۷ مجلد) قابل ذکر است.

کتب خطی خریداری شده، به تناوب با نظر آقایان سید محمد مشکوة، محمد تقی مدرس رضوی، مجتبی مینوی، محمد تقی دانش پژوه، دکتر عباس زریاب خوبی، دکتر اصغر مهدی و مرحوم دکتر مهدی بیانی ارزیابی و تهیه شده است. حقا کتابخانه در جمع آوری این نسخه ها مرهون لطف و نیز تخصص و تبحر و دقت نظر آنان است.

کتب خطی انتقالی از دانشکده ها : مجموعه های خطی که از

کتابخانه های دانشکده ها به کتابخانه مرکزی آورده شده بالغ است بر ۳۴۵۸ مجلد و بدین شرح است :

دانشکده ادبیات و علوم انسانی ۵۴۷ جلد (۱)، دانشکده الهیات و معارف اسلامی ۶۳۶ جلد (۴)، مجموعه وقفی علی اصغر حکمت ۲۷۵ جلد (۵)، مجموعه وقفی خاندان حکمت آل آقا ۲۳۰ جلد.

دو مجموعه کتاب خطی یکی از آن مرحوم علی اکبر دهخدا (۱۹۵ مجلد) (۶) و دیگری مجموعه اهدائی خاندان امام جمعه کرمان (۴۹،۸ مجلد) (۷) فعلا در دانشکده ادبیات و علوم انسانی موجود است.

(۱) فهرست نسخه های خطی دانشکده ادبیات و علوم انسانی به اهتمام محمد تقی دانش پژوه تهیه و در سال ۱۳۳۹ به عنوان شماره اول سال هشتم مجله آن دانشکده نشر شده است.

(۲) فهرست نسخه های خطی دانشکده معقول و منقول (دانشکده الهیات و معارف اسلامی) در دو مجلد به طبع رسیده است. جلد اول زیر نظر محمد تقی دانش پژوه و تألیف دکتر محمد باقر حجتی (تهران، ۱۳۴۵)، جلد دوم تألیف دکتر محمد باقر حجتی (تهران، ۱۳۴۸).

(۳) فهرست نسخه های خطی دانشکده پزشکی اول یار توسط آقای حسن ره آورد تهیه شده و در سال ۱۳۳۳ به چاپ رسیده است. بار دیگر آقای محمد تقی دانش پژوه فهرست جدیدی از مجموعه مذکور در «نسخه های خطی» (دفتر سوم تهران، ۱۳۴۲، صفحات ۱۹۷-۳۸۶) انتشار دادند.

(۴) فهرست نسخه های خطی دانشکده حقوق و علوم سیاسی به اهتمام محمد تقی دانش پژوه تهیه و در سال ۱۳۳۹ در سلسله انتشارات دانشگاه تهران نشر شده است.

(۵) فهرست نسخه های خطی اهدایی علی اصغر حکمت توسط آقای محمد تقی دانش پژوه تهیه و در سال ۱۳۴۱ به عنوان ضمیمه مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی (سال دهم) نشر شده است.

(۶) فهرست نسخه های خطی سازمان لغتنامه دهخدا توسط آقای محمد تقی دانش پژوه نوشته شد. و در نسخه های خطی «دفتر سوم، تهران، ۱۳۴۲، صفحات ۳۸۷-۴۲۶» چاپ شده است.

(۷) فهرست نسخه های اهدایی خاندان امام جمعه کرمان توسط آقای محمد تقی دانش پژوه نوشته شده و در سال ۱۳۴۴ به عنوان ضمیمه مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی (سال سیزدهم) انتشار یافته است.

کتاب چاپی : کتابهای چاپی موجود در کتابخانه مرکزی بالغ بر حدود یکصد و سی هزار جلد و در زمینه های مختلف علمی و به زبانهای اساسی جهان است .

مجموعه های قابل توجهی که در زمینه ایرانشناسی درین کتابخانه وجود دارد قسمتی از اجزاء کتابخانه های سعید نفیسی، دکتر مهدی بهرامی، دکتر سید ولی الله خان نصر، بدیع الزمان فروزانفر و ابراهیم پور داود بوده است و قسمت اساسی تر آن از مراکز و کتابفروشیهای خارج تهیه شده است .

از میان آثار چاپی با ارزش کتابخانه، مجموعه کتابهای چاپ سنگی و انتشارات قدیمی چاپ ایران و هند را باید نام برد، مقداری کثیر از این آثار متعلق به مجموعه سعید نفیسی بوده است، بقیه از مجموعه های دیگر خریداری و اهدائی جمع آوری شده است،

میکروفیلم و عکس : بنحوی که در قسمت اول مقاله گفته شد یکی از فعالیت های دائمی کتابخانه تهیه میکروفیلم و عکس از نسخ خطی و اسناد و مدارکی است که در کتابخانه های دیگر (خواه در خارج از کشور و خواه در ایران) وجود دارد. تا کنون توفیق حاصل شده است که حدود چهار هزار و هفتصد حلقه میکروفیلم و حدود هفت هزار مجلد عکس از کتب خطی و اسناد قدیمی جمع آوری شود.

جراید و مجلات فارسی : یکی از مهمترین مجموعه های کتابخانه مجموعه جراید و مجلات فارسی است. این مجموعه از حیث تعداد عنوان، از سه هزار درمی گذرد. البته بعضی از آنها عبارت از همان چند شماره ای است که منتشر شده است. *

اساس این مجموعه که بالغ بر حدود دو هزار عنوان بود از خاندان مرحوم محمد رضائی خریداری شد. محمد رضائی در مدت چهل سال توانسته بود مجموعه ای متنوع از جراید و مجلات ایرانی و فارسی چاپ شده در خارج از ایران جمع آوری کند .

* - فهرست تعداد ۳۶۵ روزنامه متعلق به سالهای شمسی تا ۱۳۲۰ شمسی که توسط آقای حسن سلطانی تهیه شده است ضمیمه همین دفتر کنونی است.

قطعاً مجموعه کتابخانه مرکزی یکی از سه چهار مجموعه نسبتاً بزرگ و مهم از جراید و مجلات فارسی موجود در دنیاست. امیدست پس از تنظیم و تجلید آنها فهرست آنها نشر شود. نیز در نظریات تماماً بصورت میکروفیلم درآید تا از صدمات و تصرفات روزگار برکنار بماند. ضمناً گفته شود که از مجموعه جراید فارسی متعلق به ادوارد براون هم میکروفیلم تهیه شده است.

نشریات ادواری فارسی و عربی واردی که در حال حاضر به کتابخانه واصل می شود بالغ بر یکصد عنوان است.

نشریات ادواری خارجی: به مناسبت آنکه هدف کتابخانه مرکزی جوابگویی به احتیاجات آموزشی رشته های مختلفی است که در دانشگاه مورد تدریس است و نیز باید پیشرفت زمینه های مختلف تحقیقاتی را مورد نظر قرار بدهد و وسایل کارمحققان را فراهم کند ناگزیر یک قسمت عمده از فعالیت کتابخانه و بودجه آن مصروف تهیه و جمع آوری نشریات ادواری از راه های اشتراک، مبادله و دریافت مجانی آنها می شود. تعداد نشریات ادواری جاری حدود یک هزار و دوست عنوان است.

رساله های تحصیلی: مراد رساله های تحصیلی دانشجویان دانشگاه تهران است. تا کنون قسمتی از آنها که در دانشکده های مختلف جمع آوری می شده به کتابخانه مرکزی منتقل شده است.

جزوات و نقشه ها: مراد آثاری است که از جنبه کتابی خارج است و نگاهبانی و فهرست نویسی آنها به مانند کتاب میسر نیست. از این قبیل است جزوات و نشریات معمولاً کوچک و کم حجم که ارزش صحافی کردن ندارد ولی از لحاظ تحقیق و مطالعه اغلب گره گشاست.

در کتابخانه مرکزی این نوع آثار فعلاً به دو دسته مضبوط به خط اسلامی و خط لاتینی تقسیم بندی شده. در هر قسمت آثار موجود ذیل عناوین موضوعی در جمعبه های جدا جدا نگاهداری می شود. بطور مثال می توان اشاره کرد که یک دسته از جزوات عبارت است از تصنیف های فارسی که در چهل سال اخیر چاپ شده است و به علت قلت حجم آنها، کمتر در سایر مراجع و کتابخانه ها نسبت به نگاهداری آنها اقدام شده است، ازین قبیل است اسانامه و برنامه احزاب و انجمنها و مجامع و...
عکس رجال و مناظر ایران: تا کنون حدود بیست و دو هزار عکس از روی عکسهای قدیمی مناظر و رجال ایران مربوط به قرن سیزدهم و اوایل قرن چهاردهم هجری تهیه شده است. اصل این عکسها متعلق بوده است به اداره

بیوتات سلطنتی (آلبومه‌ها و مجموعه‌های ناصرالدین شاه)، غلامحسین خان صاحب‌اختیار، حسنعلی غفاری (معاون الدوله)، خاندان حسام‌السلطنه، خاندان معیرالمعالم، انجمن اخوت، دکتر محمد حسین ادیب، حسین ثقفی اعزاز، مهدی بامداد، یحیی مهدوی، علی‌اصغر حکمت و سیدحسن تقی‌زاده و دیگران.

همچنین کتابخانه توانسته است که مجموعه‌های نسبتاً وسیع از عکس‌های رجال ادبی چون علی اکبر دهخدا، صادق هدایت، جلال آل‌احمد، نیما یوشیج، حسن پیرنیا، مشیرالدوله، محمد علی فروغی، سعید نفیسی تهیه کند. مجموعه‌ای هم از کارت پستال‌های ایرانی عصره شروطیت و پس از آن که حدود سیصد عدد و اهدائی آقای دکتر کمال جناب است در کتابخانه نگاه‌داری می‌شود.

از وظایف فرهنگی کتابخانه ایجاد نمایشگاه، تهیه برنامه‌های فرهنگی و برگزاری سخنرانیها و مجامع بحث و بررسی است. خدماتی که در مدت چند سال اخیر درین زمینه به انجام

امور
فرهنگی

رسیده به ترتیب تاریخ بدین شرح بوده است:

- ۱۳۴۵ - نمایشگاه نسخه‌های خطی مهم کتابخانه (به مناسبت نخستین کنگره جهانی ایران‌شناسان).
- ۱۳۴۶ - نمایشگاه کتب اهدایی حسنعلی غفاری (معاون الدوله).
- ۱۳۴۷ - نمایشگاه کتب قدیم اروپائی درباره ایران.
- ۱۳۴۷ - نمایشگاه عکس رجال و مناظر ایران در قرن سیزدهم.
- ۱۳۴۸ - نمایشگاه یادگارهای پنج استاد (علی اکبر دهخدا، محمد قزوینی، ابراهیم پور داود، عباس اقبال، سعید نفیسی).
- ۱۳۴۸ - نمایشگاه یادگار نمای مطبوعات ایران. (همراه با چند سخنرانی)
- ۱۳۴۸ - مجلس بحث علمی درباره رشیدالدین فضل‌الله‌همدانی (با همکاری دانشکده ادبیات و علوم انسانی).
- ۱۳۴۹ - نخستین کنگره تحقیقات ایرانی (با همکاری دانشکده ادبیات و علوم انسانی).
- ۱۳۴۹ - نمایشگاه کتابهای جدید در زمینه‌های ایران‌شناسی و نمایشگاه عکس محققان ایرانی (به مناسبت نخستین کنگره تحقیقات ایرانی).

- ۱۳۵۰ (مهر) - نمایشگاههای کتابهای مربوط به تحقیقات ایرانی اثر هیأت علمی دانشگاه تهران، عکس محققان، نسخه‌های ممتاز خطی، انتشارات دانشگاه تهران (به مناسبت بازدید شاهنشاه آریامهر وشهبانوی ایران از کتابخانه).
- ۱۳۵۰ (آبان) - نمایشگاه «از چرند و پرنده تا زن زیادی» (مربوط به آثار و عکسهای علمی اکبر دهخدا، صادق هدایت، جلال آل احمد، صمد بهرنگی) همراه با سخنرانی دکتر محمد علی اسلامی ندوشن.
- ۱۳۵۰ (آذر) - مجلس بزرگداشت محمد علی فروغی (ذکاء المالك) همراه با نمایشگاه آثار و عکسهای خاندان فروغی (درین مجلس دکتر هوشنگ نهاوندی، عبدالله انتظام، دکتر عیسی صدیق، مجتبی مینوی، حبیب یغمائی، مهندس محسن فروغی سخنرانی کردند).
- ۱۳۵۰ (آذر) - تجلیل از مقام علمی مجتبی مینوی و اهدای «نامئینوی» تدوین حبیب یغمائی و ایرج افشار به ایشان توسط رئیس دانشگاه.
- ۱۳۵۰ (دی) - نمایشگاه «نیما و شعر بعد از نیما» (همراه با سخنرانی دکتر عبدالحسین زرین کوب).
- ۱۳۵۱ (فروردین) - نمایشگاه کتابهای علمی فرانسه (با همکاری شرکت کتاب برای همه).
- ۱۳۵۱ (فروردین) - مجلس بزرگداشت صادق هدایت (همراه با سخنرانی ابوالقاسم انجوی شیرازی).
- ۱۳۵۱ (اردیبهشت) - مراسم بیستمین سال درگذشت ملك الشعراء بهار و نمایشگاه عکسها و آثار او. (همراه با سخنرانیهای دکتر هوشنگ نهاوندی، محمد محیط طباطبائی، دکتر ذبیح‌الرضا و حبیب یغمائی).
- ۱۳۵۱ (خرداد) - مراسم انتقال و استقرار کتابخانه اهدائی آقای علی اصغر حکمت.
- ۱۳۵۱ (خرداد) - نمایشگاه کوششهای پژوهشی اعضای هیئت علمی دانشگاه تهران.
- ۱۳۵۱ (آبان) - مجلس بزرگداشت حسن پیرنیا (مشیرالدوله) به مناسبت یکصدمین سال تولد و سالروز وفات (همراه با سخنان دکتر هوشنگ نهاوندی و دکتر عبدالحسین زرین کوب، محیط طباطبائی، دکتر محمد ابراهیم باستانی پاریزی و احمد سعیدی. نمایشگاه عکسها و آثار او)
- ۱۳۵۱ (آذرماه) - نمایشگاه کتابهای چاپ هند.
- ۱۳۵۱ (دی) - مجلس بزرگداشت سعید نفیسی به مناسبت انتشار یادنامه نفیسی

از انتشارات مجله دانشکده ادبیات (همراه با نمایشگاه وسیع نفیسی و ادبیات فارسی، حاوی عکس‌ها و آثار او)

۱۳۵۱ (دی) - نمایشگاه انتشارات علمی اتحاد جماهیر شوروی .

۱۳۵۱ (بهمن) - مجلس بررسی احوال و افکار میرزا تقی خان امیر کبیر -

(در جلسات این مجلس که دور و ز مدت گرفت دکتر هوشنگ نهاوندی، دکتر غلامعلی رعدی آدرخشی، دکتر محمد حسین ادیب، محمد محیط طباطبائی، دکتر عباس زریاب، مهدی بامداد، اقبال یغمائی، دکتر محمد ابراهیم باستانی پاریزی، دکتر محمود نجم آبادی، دکتر نصره الله باستان، دکتر محمد اسماعیل رضوانی، دکتر منوچهر ستوده و حسین محبوبی اردکانی سخن گفتند و نمایشگاهی از تصاویر امیر کبیر و اسناد و عکسهای مربوط به دارالفنون ترتیب داده شده بود .

۱۳۵۱ (اسفند) - مجلس بزرگداشت پتوفی شاعر مجارستانی (همراه

با سخنرانی دکتر محمد علی اسلامی ندوشن و نمایشگاه)

۱۳۵۱ (اسفند) - مجلس بزرگداشت کپر نیک (با سخنرانی دکتر علی افضل پور)

۱۳۵۱ (اسفند) - نمایشگاه خدمات و مطالعات ایران شناسی دانشمندان انگلیسی*

معرفی مجموعه‌های کتاب در کتابخانه‌های دیگر دانشگاه

چون کتابهای موجود در قسمتهای مختلف دانشگاه تهران، اعم از کتابخانه‌ها و مؤسسات و گروهها، مکمل مجموعه کتابخانه مرکزی است آوردن اطلاعات و آماری از اهم آن مجموعه‌ها درین گفتار مفید فایده است .

الف - دانشکده ادبیات و علوم انسانی: مهمترین مجموعه این کتابخانه کتابهایی است که متعلق به مرحوم محمد قزوینی بوده و پس از مرگش برای کتابخانه مذکور خریداری شده است .

اهمیت مجموعه قزوینی بیشتر به علت حواشی و یادداشتهای عالمانه و متعددی است که بر کناره صفحات و اوراق الحاقی بر اکثر کتب نوشته است و هر يك از آنها یادآور پهنآوری علم و دقت نظر اوست .

کتابخانه‌های اهدایی خاندان امام جمعه کرمان و حمید سیاح و دکتر فاطمه سیاح و نیز کتابخانه‌های خریداری شده از ورثه مرحوم عباس اقبال آشتیانی

* برای فعالیت‌های فرهنگی در سالهای ۱۳۵۲ و ۱۳۵۳ به گزارش‌های دوسال

مذکور که ضمیمه همین دفتر است مراجعه شود .

واحمد بهمنیار و قسمتی از کتابخانه مرحوم سید حسن تقی زاده از مجموعه‌های قابل اعتبار کتابخانه دانشکده ادبیات و علوم انسانی است. اصولاً کتابخانه دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران یکی از کتابخانه‌های غنی و با اهمیت ایران است.

ب - دانشکده الهیات و معارف اسلامی: در این کتابخانه تخصصی

از جمله مجموعه کتابهای متعلق به مرحوم فاضل تونی نگاه‌داری می‌شود.

ج - دانشکده حقوق و علوم سیاسی: این کتابخانه مهم چند مجموعه

مهم را که خواه از راه خریداری و خواه هدیه به دست آورده در اختیار دارد.

اهم آنها عبارت است از کتابخانه‌های خریداری از علی اکبر داور، محمد

علی ذکاء الملك فروغی، دکتر رضا زاده شفق، دکتر موسی عمید، مجید موقر،

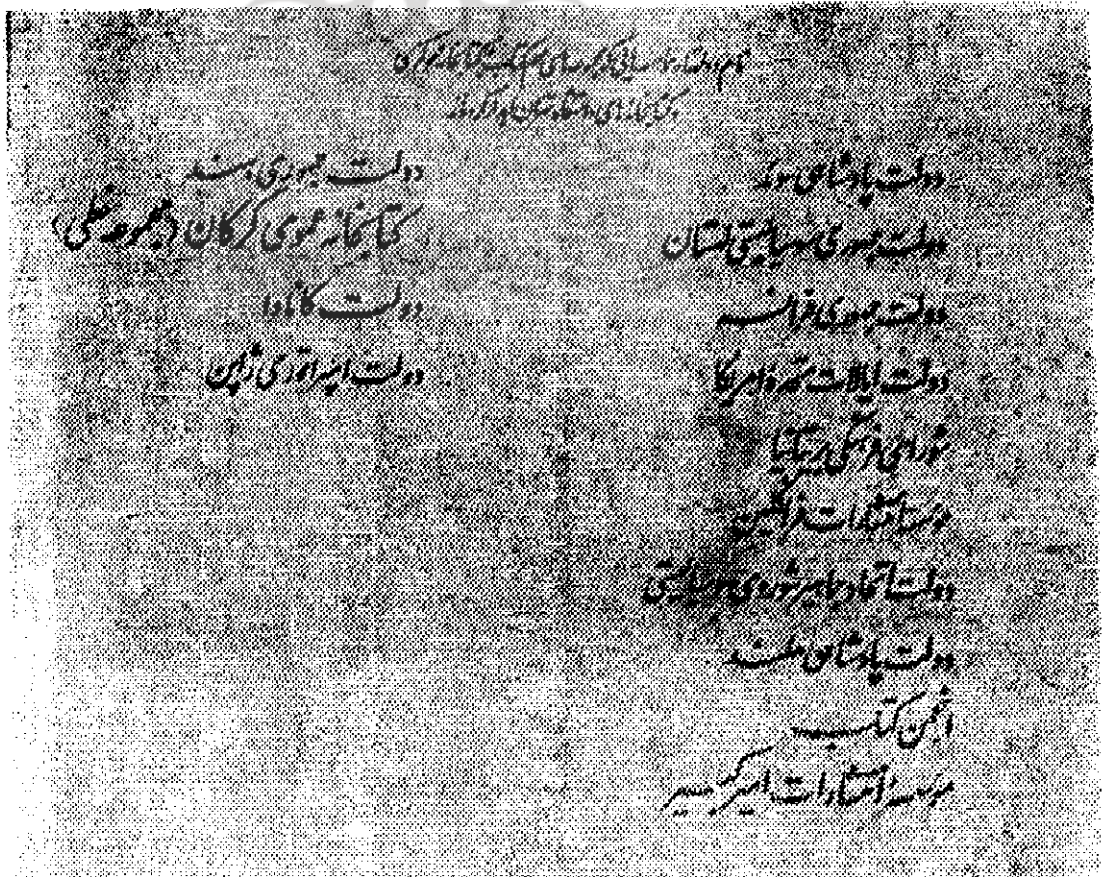
و مجموعه اهدائی مرحوم صاحب‌نسق به مدرسه علوم سیاسی و کتابخانه اهدایی

دکتر محمد مصدق به مدرسه علوم سیاسی و سپس دانشکده حقوق.

بنحوی که تخصص اغلب آنها گویاست کتابهای این مجموعه‌ها

مربوط است به ادبیات، معارف اسلامی، فلسفه و تاریخ. مخصوصاً درین

مجموعه‌ها کتابهای زیادی از آثار اروپائیان درباره ایران وجود دارد. يك گروه



لوحة نام دولتها مؤسسهات اهداکننده کتاب

مهم ازین مجموعه سفرنامه‌های قدیمی قرون شانزدهم و هفدهم مربوط به ایران است. جراید و مجلات فارسی نیز از زمره خزائن و ذخیره‌های کمیاب کتابخانه حقوق است. مجموعه کتب فارسی و عربی آنجا بیشتر در زمینه ادبیات و معارف اسلامی و مخصوصاً قسمت مهمی از آنها کتب دینی و فلسفی و تاریخی و آثار ادبی و چاپهای قدیمی است. *

از باب حسن ختام مناسبت تام دارد اشعاری را نقل کند که آقای محمد علی ریاضی یزدی در خصوص کتابخانه مرکزی دانشگاه سروده‌اند و بردیوار سرسرای اصلی کتابخانه به خط خوش و استادانه محمد احصایی کتابه شده است.

این همایون بنای گزدون جاه	زیب و فر و شکوه دانشگاه
شایگان گنج جاودانه ماست	کاخ دانش کتابخانه ماست
نور اندیشه‌ها و بینش‌ها	برق تحقیق‌ها، پژوهش‌ها
پلی از نور روی موج زمان	موج لغزان سرکش گذران
بایدت زین پل زمان بگذشت	تا ببینی به رفتگان چه گذشت
رفتگان را به تن روانی نیست	شبحی، سایه‌ای، نشانی نیست
لیک انفاس قدسشان اینچاست	جانشان در کتابشان پیداست

سرور کائنات و قسرانش	که خدا خود بود نگهبانش
شاهنامه، حماسه شاهان	که بود شاهکار شعر جهان
مثنوی بی‌کرانه دریائی	که ندارد به دهر همتائی
سعدی و منشآت چون زراو	شیخ عطار و گنج گوهر او
زیور و زیب دفتر ایام	جاودانه ترانه خیمام
حافظ و آن سرود پاک بهشت	که فرشته فراز عرش نوشت

ای کتاب ای غذای روح بشر	معجز جاودان پیغمبر
ای کتاب ای فروغ جاویدان	آسمانی چراغ معبد جان

* برای آمار موجودی کتابخانه‌ها و نام اهداکنندگان کتب به گزارش

سال ۱۳۵۳ رجوع شود.

هیچ جامی جهان نما چو تو نیست
که خدا در کلام عرشی خویش
آفرین بر چنین مقام بلند
وز بد دهر در امان می باش

هیچ گنجی گرانها چو تو نیست
در فضیلت ازین ندانم بیش
به کتاب و قلم خورد سوگند
تا جهان هست جاودان می باش

آریسا مهر و مهر جاویدان
صدف گونه گونه گوهر زای
زیور هفت طسارم کیهان
داد پایان بدان «نهایندی»
گردش ماه دید و گوهر سفت
«گوهر از این کتابخانه بود»

حسب فرمان شاه ملك كيان
شد به پا این بنای گردون ساي
عهد «صالح» شد این بنا بنیان
با شکوه و جلال و خورسندی
سال تاریخ را «ریاضی» گفت
گنج دانش که جاودانه بود

فهرست کتابهای موجودی کتابخانه مرکزی		ردیف	عنوان کتاب	تاریخ
۱۲۲۱	مهر و گوهر	۱۲۲۱	مهر و گوهر	۱۲۵۱
۱۲۲۲	مهر و گوهر	۱۲۲۲	مهر و گوهر	۱۲۵۱
۱۲۲۳	مهر و گوهر	۱۲۲۳	مهر و گوهر	۱۲۵۱
۱۲۲۴	مهر و گوهر	۱۲۲۴	مهر و گوهر	۱۲۵۱
۱۲۲۵	مهر و گوهر	۱۲۲۵	مهر و گوهر	۱۲۵۱
۱۲۲۶	مهر و گوهر	۱۲۲۶	مهر و گوهر	۱۲۵۱
۱۲۲۷	مهر و گوهر	۱۲۲۷	مهر و گوهر	۱۲۵۱
۱۲۲۸	مهر و گوهر	۱۲۲۸	مهر و گوهر	۱۲۵۱
۱۲۲۹	مهر و گوهر	۱۲۲۹	مهر و گوهر	۱۲۵۱
۱۲۳۰	مهر و گوهر	۱۲۳۰	مهر و گوهر	۱۲۵۱
۱۲۳۱	مهر و گوهر	۱۲۳۱	مهر و گوهر	۱۲۵۱
۱۲۳۲	مهر و گوهر	۱۲۳۲	مهر و گوهر	۱۲۵۱
۱۲۳۳	مهر و گوهر	۱۲۳۳	مهر و گوهر	۱۲۵۱
۱۲۳۴	مهر و گوهر	۱۲۳۴	مهر و گوهر	۱۲۵۱
۱۲۳۵	مهر و گوهر	۱۲۳۵	مهر و گوهر	۱۲۵۱

لوحه نام اهدا کنندگان کتاب به کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران (بک لوحه دیگر هم مخصوص نام اهدا کنندگان کتاب به دیگر کتابخانه های دانشگاه تهران در سراسر ای و زودی کتابخانه نصب شده است)

